

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۷۵۴

چهارشنبه، ۲۳ اسفند ۱۳۹۶ - ۱۴ مارس ۲۰۱۸

بخش آخر

محسن ابراهیمی: حزب کمونیست ایران بعد از جدائی چه تحولاتی را از سرگذراند و امروز در چه موقعیتی است؟

حمید تقوائی: ابتدا بحث رهبری بجامانده در حزب کمونیست این بود که به خط و سیاست کنونی حزب ادامه خواهند داد و ما هم برایشان آرزوی موفقیت کردیم. اما بطور واقعی گرایش ناسیونالیستی هر روز در این حزب قوی تر و تعرضی تر شد. اولین تحولی که در این حزب اتفاق افتاد انشعابی به رهبری عبدالله مهدی بود که با نظراتی حتی در مواردی راست تر و افراطی تر از احزاب سنتی ناسیونالیستی از حزب کمونیست جدا شدند. این انشعاب به روشنی بر حقانیت نظرات منصور حکمت در مورد گرایش ناسیونالیستی صحنه گذاشت و نشان داد که چطور این گرایش میتواند صریحا و آشکارا با پرچم "کردایتی" در برابر کمونیستها قرار بگیرد.

انشعاییون ناسیونالیست از حزب کمونیست ایران همان حملات و انگ زنیهای سطحی که گرایش ناسیونالیستی در کردیوهای حزب کمونیست بطور محفلی و غیر رسمی علیه کمونیسم کارگری و منصور حکمت بیان میکرد را بطور رسمی و علنی مطرح کردند. پرچم آنها توطئه فارسیها بود. بحث را بردند در چهارچوب فارس و کرد و اینکه مسبب جنگ با حزب دمکرات فارس ها بودند و "فارس

ها آمدند کومله فریب دادند"، و ما "نردبان ترقی منصور حکمت" شدیم و نظرات سطحی و مبتذلی از این قبیل. نظرات و سیاستهای دیگرشان در رابطه با دولت آمریکا و دولتتهای منطقه و احزاب ناسیونالیستی کرد نیز به همین درجه راست و ضد کمونیستی بود. نظرات و مواضعی که حتی در قیاس با سیاستها احزاب سنتی ناسیونالیسم کرد راست و افراطی محسوب میشود.

این جریان از حزب کمونیست ایران انشعاب کرد بی آنکه مورد نقد و افشاگری این حزب قرار بگیرد. برخورد رهبری حزب کمونیست به این جریان آشکارا راست و ناسیونالیستی بسیار رفیقانه تر و آرام تر و و محترمانه تر از برخوردشان به کمونیسم کارگری بود. این انشعاب در چهارچوب منطقه و در شرایطی اتفاق می افتاد که "دوستان حال و آینده" عبدالله مهدی در قدرت بودند و افق و جهتگیری کل رهبری بجا مانده در حزب کمونیست ایران همانطور که قبلا توضیح داده شد از این چهارچوب منطقه ای فراتر نمی رفت. در يك سطح پایه ای نقاط اشتراك آنها با انشعاییون بیش از آن بود که ماهیت راست و ناسیونالیستی آنها مورد نقد قرار بدهند. نقدشان از تصمیمگیری زودرس انشعاییون و گلابیه های تشکیلاتی فراتر نمی رفت. اگر کسی حتی يك درجه به بحث ها و مواضع پلنومها و کنگره های قبلی حزب کمونیست و کومله و حتی

تاریخ دو حزب

مروری بر تاریخ دو حزب کمونیست ایران و حزب کمونیست کارگری ایران

این نوشته بر مبنای مصاحبه کانال جدید

با حمید تقوائی در سپتامبر ۲۰۱۵ تدوین شده است و در پنج شماره انترناسیونال به شکل ضمیمه به چاپ می رسد.



مباحث کنگره دوم کومله وفادار باقیماده بود جواب خیلی روشن تر و رادیکال تر و کمونیست تری به این گرایش می داد.

نکته دیگر روایتی است که حزب کمونیست ایران از گذشته این حزب و چگونگی شکلگیری آن بدست میدهد. در این روایت مارکسیسم انقلابی لاک گرفته شده و نامی از نقد پوپولیسم و خلقگرایی و صنعتی گرایی که دامن گیر اکثر قریب به اتفاق نیروهای مدعی کمونیسم در آن زمان بود، در میان نیست. برعکس ادعا میشود که تشکیل حزب در ادامه تلاشهای همه نیروهای مدعی کمونیسم و تجربیات ناموفقی مثل کنفرانس وحدت در میان نیروهای موسوم به خط سه صورت گرفته و گویا اتحاد مبارزان هم همانقدر در روند تشکیل حزب نقش داشته است که بقیه نیروها.

تا زمانی که منصور حکمت از حزب کمونیست ایران جدا نشده بود جدال نظری سیاسی عظیمی که به تشکیل حزب کمونیست ایران منجر شد و نقش تعیین کننده ای که مارکسیسم انقلابی در این تحول داشت جزئی از "باورهای مشترک" بود اما بعد از جدائی کمونیست کارگری حزب کمونیست تبدیل میشود به نتیجه مجاهدات همه نیروهای مدعی کمونیست بجز اتحاد مبارزان! مجاهداتی که تا همین امروز بجائی نرسیده است.

این نوعی تاریخنگاری از سر مصالح سیاسی امروز است. کنگره دوم کومله له با پذیرفتن نظرات مارکسیسم انقلابی، نقد پوپولیسم - که مبتلا به خود کومله هم بود- و پذیرش نظرات راهگشا و زیرورو کننده ای نظیر "اسطوره بورژوازی ملی و مترقی" و "سه منبع سه جزء سوسیالیسم خلقی" و بویژه "جنبش

دهقانی پس از حل امپریالیستی مساله ارضی" به مارکسیسم انقلاب روی آورد و این نقطه عطفی در روند تشکیل حزب بود. اما مصالح سیاسی امروز کسانی که خود در این روند شریک بوده اند اجازه نمیدهد به این واقعیات اشاره کنند. بازگشت این تاریخنویسان به چپ ماقبل مارکسیسم انقلابی نتیجه رجعت سیاسی حزب کمونیست به کومله ماقبل کنگره دوم این سازمان است.

تبیینی که امروز رهبری حزب کمونیست ایران از تاریخ شکلگیری و از گذشته حزب بدست میدهد نشان می دهد که آن گذشته دیگر بخشی از تاریخ حزب کمونیست ایران نیست، بلکه بخشی از تاریخ حزب کمونیست کارگری است. نشان میدهد ادامه آن روند به حزب کمونیست کارگری منجر شده است. این روند را از انقلاب ۵۷ تا امروز

به حزب کمونیست کارگری ایران بپیوندید



"دموکراسی" ملحق شده بودند حزب کمونیست کارگری بر مبنای تحلیل عمیق و همه جانبه از شرایط سیاسی در آن مقطع و بحثهای پایه ای نظیر تفاوت‌های ما در نقد چپ غیر کارگری، افق امید بخش و پرشوری را ترسیم میکرد.

تاثیر و برد این نظرات و مواضع صرفا به شرایط ایران و منطقه محدود نبود. نقطه قوت کمونیسم کارگری از نظر سیاسی این بود که تبیین صحیح و عمیقی از شرایط جهانی در آن دوره داشت و افق روشن و امید بخشی را در برابر کمونیست‌های دنیا قرار میداد. به یک معنی میشود گفت همان نقشی که تشکیل حزب کمونیست ایران در برابر یورش بعد از ۳۰ خرداد ایفا کرد، تشکیل حزب کمونیست کارگری در برابر یورش بورژوازی جهانی بعد از فروپاشی دیوار برلین انجام داد. کمونیسم کارگری با تبیین و نقد عمیق نظم نوین سرمایه داری جهانی و همچنین نقد رادیکال کمونیسم‌های غیر کارگری

ممکن بود همه عمیقا و در همه جهات همفکر و همعقیده نباشند اما شناخت و شمس سیاسی شان به آنها میگفت که جواب دنیای پس از جنگ سرد خط و جهتی است که کمونیسم کارگری نمایندگی میکند. این یک انتخاب آگاهانه سیاسی بود که افق و آینده پرشور و امید بخشی را در برابر همه قرار میداد.

نظرات و تحلیلهای آن دوره منصور حکمت در مورد جنگ خلیج و نظم نوین جهانی و استنتاجات محلی و منطقه ای آن حزب تازه را در یک موضع تعرضی و مدعی قرار میداد و اجازه میداد اعضای آن با عزم جزم و اعتماد به نفسی بیش از گذشته قدم بمیدان بگذارند. چرا؟ به این دلیل که ارزیابی و باورشان این بود که اولاً شرایط سیاه پس از ریزش دوران برلین و هلهله پیروزی بازار آزاد موقت است و بزودی فرو خواهد نشست. و ثانیاً با فروپاشی بلوک شوروی بلوک غرب نیز بهم خواهد

حزب ما نمایندگی میکند. حزب ما است که از هر موضع و سیاست و اقدامی که به تشکیل حزب کمونیست ایران منجر شد و همه سیاستها و فعالیت‌هایی که حزب کمونیست ایران تا قبل از جدائی به پیش برد تمام و کمال دفاع میکند. در مقابل حزب کمونیست امروز خود را به خط و سنتی متصل کرده است که تشکیل حزب کمونیست ایران ثمره نقد همه جانبه آن سنت بود. در تاریخی که برای خود ساخته اند سابقه حزب کمونیست ایران، که از نقد چپ سنتی شروع میشود، تبدیل شده است به حزب کمونیست ایران ادامه چپ سنتی و نقد ناسیونالیسم کرد تبدیل شده است به سازش و تمکین و تنظیم مناسبات با آن.

امروز رهبری حزب کمونیست ایران همانطور که منصور حکمت پیش بینی کرده و هشدار داده بود تحت تاثیر محدودیتها و فشارهای منطقه ای هر روز بیشتر به احزاب ناسیونالیست کرد در عراق نزدیکتر و از سیاستها رادیکال کمونیستی دورتر میشود. رهبری بجا مانده در حزب در مقطع جدائی ادعا میکرد که حزب را روی جهتگیری و خط سیاسی اش حفظ خواهد کرد اما به سرعت همان شرایط سیاسی واقعی که تشکیل حزب کمونیست کارگری را ضروری میکرد حزب کمونیست ایران را نیز به دامن ناسیونالیسم درغلطانند.

محسن ابراهیمی: حزب کمونیست کارگری در دوره ای تشکیل شد که از همه سو به کمونیسم تعرض میشد. این شرایط بر تشکیل حزب و سیاستها و فعالیت‌هایی که بلافاصله در دستور گذاشت چه تاثیری داشت؟

حمید تقوایی: نکته اول اینست که اهداف و سیاستهای حزب کمونیست کارگری مدتها قبل از تشکیل آن روشن بود. همانطور که اشاره شد مباحث کمونیسم کارگری از سه سال قبل از تاسیس حزب، از کنگره سوم حزب کمونیست، به شکل شفاهی و کتبی در سمینارها و نوشته های منصور حکمت مطرح شده و توضیح داده شده بود. بنابراین کسانی که حزب کمونیست را ترک کردند با چشمان باز و با شناخت و آگاهی کامل سیاسی به حزب تازه پیوستند.

تحولات و چالشهای تازه ای که گاه نقطه عطفی در شرایط سیاسی

...تبیینی که امروز رهبری حزب کمونیست ایران از تاریخ شکلگیری و از گذشته این حزب بدست میدهد نشان می دهد که آن گذشته دیگر بخشی از تاریخ حزب کمونیست ایران نیست، بلکه بخشی از تاریخ حزب کمونیست کارگری است. این روند را از انقلاب ۵۷ تا امروز حزب ما نمایندگی میکند. حزب ما است که از هر موضع و سیاست و اقدامی که به تشکیل حزب کمونیست ایران منجر شد و همه سیاستها و فعالیت‌هایی که حزب کمونیست ایران تا قبل از جدائی به پیش برد تمام و کمال دفاع میکنند. در مقابل حزب کمونیست امروز خود را به خط و سنتی متصل کرده است که تشکیل حزب کمونیست ایران ثمره نقد همه جانبه آن سنت بود. در تاریخی که برای خود ساخته اند سابقه حزب کمونیست ایران، که از نقد چپ سنتی شروع میشود، تبدیل شده است به حزب کمونیست ایران ادامه چپ سنتی و نقد ناسیونالیسم کرد تبدیل شده است به سازش و تمکین و تنظیم مناسبات با آن.

روشن و اعتقاد عمیقی به ضرورت و میرمیت و راهگشائی نظرات و سیاستهای کمونیسم کارگری داشتند. و بهمین خاطر حزب به سرعت توانست در عرصه های مختلف مبارزه فعال شود و به پیش برود. با تشکیل حزب کمونیست کارگری در واقع کمونیسم کارگری دوره جدل با گرایشان دیگر را پشت سر گذاشت و به پراتیک سیاستهایش پرداخت.

منا و سر منشا این سیاستها و مبنای و متد و جهتگیری آن در سمینارهای کمونیسم کارگری - که اولی قبل از تشکیل حزب و سمینار دوم در سال ۲۰۰۰ برگزار شد - و همچنین در مصاحبه "تفاوت‌های ما"، که همانطور که بالاتر اشاره شد یکی از کاملترین، جامع ترین و عمیق ترین نقدها به جامعه سرمایه داری عصر ما - اواخر قرن ۲۰ و اوایل قرن ۲۱- و کمونیسم غیر کارگری است، بوسیله منصور حکمت به تفصیل و روشنی توضیح داده شده است.

حزب در بدو تشکیل خود اسنادی از حزب کمونیست ایران از جمله قطعنامه درمورد تشکلهای توده ای طبقه کارگر، قطعنامه در مورد شوراها اسلامی در کارخانه ها، اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان، و سیاست سازماندهی ما در میان کارگران

جامعه محسوب میشوند در احزاب و جریانات سیاسی تغییرات مهمی را ایجاد میکنند. گذار از حزب کمونیست به حزب کمونیست کارگری یکی از این تغییرات پایه ای و، همانطور که توضیح دادم، بازتاب سیاسی- تشکیلاتی مقطع پایان جنگ سرد و شرایط سیاسی کاملا متفاوت و نوین در سطح جهانی بود.

در حزب تازه دیگر از مخالف خوانی زیرلیبی، سکوت و تمکین نسبت به نظرات تازه، و عملکرد بخشی از تشکیلات در مغایرت با سیاستهای رسماً پذیرفته شده، خبری نبود. کسانی که به حزب کمونیست کارگری پیوستند درک

که در آن شرایط به هزیمت افتاد بودند، خود را بر پایه های محکمی برای تعرض همه جانبه علیه بورژوازی در ایران و جهان استوار کرده بود.

محسن ابراهیمی: کمونیسم کارگری در حقیقت قالب تنگ حزب کمونیست را ترک کرد و قالب جدیدی به خودش گرفت. حزب کمونیست کارگری ایران بعد از تشکیلش چه روندی را در پیش گرفت و به چه معنا قالب مناسی برای ایده ها و نظرات و افق کمونیسم کارگری بود؟

حمید تقوایی: هر جریان جدی سیاسی با تغییر در شرایط اجتماعی تغییر میکند. بویژه

ریخت و دیری نخواهد گذشت که تقابل بین دو اردوگاه غرب و شرق جای خود را به تقابل طبقاتی میان کمپ کار و سرمایه در غرب و در شرق خواهد داد. تز دیگر این بود که گرچه آوار دیوار برلین بر سر کمونیست‌ها هم فرود آمد اما جنبشهای دیگر مدعی کمونیسم و کمونیست‌های غیر کارگری نیز کنار زده خواهند شد و زمینه برای سربلند کردن کمونیسم کارگری بیش از پیش مساعد و فراهم خواهد شد. این ترزا امید بخش بود و افق تازه ای را در برابر همه قرار میداد. در شرایطی که بسیاری از مدعیان کمونیسم نومیید و مایوس شده بودند و یا به کمپ بازار آزاد و



سخنرانی افتتاحیه منصور حکمت
در کنگره دوم حزب کمونیست کارگری ایران مارس ۱۹۹۸

حزب مارکسیست-لنینیست، احزابی که به احزاب میم لام معروفند، و یا احزاب مائوئیست و تروتسکیست و تیتوئیست و غیره کم نداشته ایم. احزابی که با تئوری و تئورسینها خودشان را تعریف میکنند. کمونیسم کارگری اینطور نیست. گرچه اعضای حزب مارکسیست هستند ولی این شرط عضویت نیست. این حزب کسانی است که میخواهند قدرت سیاسی را بدست بگیرند و از بورژوازی از نظر سیاسی و اقتصادی خلع ید کنند. هر کس که این برنامه را داشته باشد و این هدف را دنبال کند به حزب کمونیست کارگری خوش آمده است.

مسئله شدن اعضای حزب به مارکسیسم روندی است که در صفوف حزب و در دل مبارزه اتفاق میافتد. اعضا می آموزند که چگونه مارکسیسم و تئوریهها و تحلیل های مارکسیستی ریشه مسائل را به ما می شناساند و راه زیورورد کردن نظام سرمایه داری و تحقق سوسیالیسم را به ما نشان میدهد. در حزب ما انقلابیگری و آرمان رهایی و برابری انسانها و امر مبارزه برای تحقق این آرمان بر تئوری پیشی میگیرد و مارکسیسم تنها بعنوان علم و دکترین و تئوری این مبارزه مطلوبیت و ضرورت پیدا میکند. این نگرش تماما در مقابل دیدگاه گروههای فرقه ای قرار میگیرد که خود را مارکسیست-لنینیست و یا مائوئیست و یا تروتسکیست و یا

تشکیل حزب این بود که حزب بستر و مظهر استقلال همه جانبه طبقه کارگر است و در مقطع تشکیل حزب کمونیست کارگری برخصلت جنبشی حزب و حزب تک بنی ای که

نظریه مهمی که منصور حکمت طرح کرد و بر سیاستها و عملکرد حزب در عرصه های مختلف تأثیرات تعیین کننده ای داشت، نظریه "حزب و جامعه" و "حزب و

حزب کمونیست کارگری حزب در بدو تشکیل خود اسنادی از حزب کمونیست ایران از جمله قطعه نامه در مورد تشکلهای توده ای طبقه کارگر، قطعه نامه در مورد شوراهای اسلامی در کارخانه ها، اعلامیه حقوق پایه ای مردم زحمتکش در کردستان، و سیاست سازماندهی ما در میان کارگران مبتنی بر مقالات متعددی از منصور حکمت که قبلا در نشریات حزب کمونیست ایران منتشر شده بود، را مورد تأیید قرار داد. این اسناد در کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مه ۱۹۹۲ به تصویب رسید. این مصوبات در بدو تشکیل حزب مسیر حرکت آن و مبانی سیاستها و فعالیتهای آنرا مشخص میکرد. در عین حال نشان میداد که حزب تازه ادامه دهنده متد و جهت گیری و سیاستهای منصور حکمت در دوره فعالیتش در حزب کمونیست است.

مظهر و برآمد از جنبش اجتماعی کمونیسم کارگری است، یعنی جنبش طبقه کارگرعلیه کاپیتالیسم، تأکید میشد، در نظریه حزب و جامعه اساس بحث اینست که حزب نماینده طبقه کارگر در مبارزه بر سر قدرت سیاسی است. حزبی که خود را در این جایگاه نبیند و برای ایفای این نقش مبارزه نکند یک گروه فشار است و نه یک حزب سیاسی.

به این معنا حزب خودش بعنوان یک پدیده سیاسی، بعنوان آلترناتیو طبقه کارگر، بعنوان آلترناتیو سیاسی-حکومتی طبقه کارگر در برابر بورژوازی، مطرح میشود. چنین حزبی تنها میتواند یک حزب سیاسی باشد نه یک سازمان عقیدتی. ما احزابی با نام

این فاکتور آخر یعنی دخالتگری و پراتیک وسیع حزب یک ویژگی مهم کمونیسم کارگری است که بر درک و شناخت حزب از کمونیسم بعنوان یک امر پراتیک -

بقول منصور حکمت "ماتریالیسم پراتیک" - و همچنین تلقی و تبیین جامع و راهگشایش از مبارزه طبقاتی و جبهه های مختلف نبرد طبقاتی مبتنی است. حزب ما نه تنها بر مبانی نظرات و تحلیلهای سیاستها و مواضعش بلکه همچنین دخالتگری و فعالیت وسیع و همه جانبه اش شناخته میشود.

محسن ابراهیمی: شما به "تفاوتهای ما" و دیگر اسناد کمونیسم کارگری در بدو تشکیل حزب اشاره کردید. اما حزب کمونیست کارگری در دوران فعالیت خود نظرات و جهتگیریها و سیاستهای تازه ای را طرح کرد و در دستور قرار داد. مهمترین این نظرات و جهتگیریها چه بود؟

حمید تقوایی: به اعتقاد من دو

مبتنی بر مقالات متعددی از منصور حکمت که قبلا در نشریات حزب کمونیست ایران منتشر شده بود، را مورد تأیید قرار داد. این اسناد در کنفرانس اول کادرهای حزب کمونیست کارگری ایران در ماه مه ۱۹۹۲ به تصویب رسید. در این کنفرانس همچنین کمیسیونی برای تدوین برنامه حزب تشکیل شد. این برنامه بوسیله منصور حکمت تدوین شد و پیشنهادش در کنگره اول حزب (ژوئیه ۱۹۹۴) در متن نهایی اش در پلنوم دوم حزب (نوامبر ۹۴) تحت عنوان "یک دنیای بهتر" به تصویب رسید.

این مصوبات در بدو تشکیل حزب مسیر حرکت آن و مبانی سیاستها و فعالیتهای آنرا مشخص میکرد. در عین حال نشان میداد که حزب تازه ادامه دهنده متد و جهت گیری و سیاستهای منصور حکمت در دوره فعالیتش در حزب کمونیست است. نشان میداد که کمونیسم کارگری به معنی تداوم و فراتر رفتن از سیاستهای رهبری حزب کمونیست ایران بر متن شرایط تازه مبارزه طبقاتی است. بقول منصور حکمت "مارکسیسم انقلابی یک حالت خاص و یک عکس یک بعدی از یک واقعیت چند وجهی است". و این واقعیت چند وجهی را کمونیسم کارگری نمایندگی میکند. حزب کمونیست ایران حاصل نبرد نظری مارکسیسم انقلابی با گرایشهای دیگر مدعی کمونیسم بود. نبردی که تا روز آخر در صفوف حزب کمونیست ایران

ادامه داشت. با تشکیل حزب کمونیست کارگری مبارزه و تقابلی با جنبشهای طبقاتی دیگر- در سطح نظری و سیاسی و بویژه پراتیک مبارزاتی در عرصه های مختلف نبرد طبقاتی- در محور کار قرار گرفت.

متد و نظریه پایه ای کمونیسم کارگری در مورد جنبشها - که قبلا بعنوان "تئوری جنبشی مبارزه طبقاتی" توضیح دادم- در همه عرصه ها متدولوژی و تحلیل و تبیین و تبلیغات و فعالیتهای عملی حزب را کاملا متفاوت میکرد. تئوریکسور به کمونیسم بعنوان یک جنبش اجتماعی که هیچوقت در حزب کمونیست ایران از جانب گرایشهای دیگر درک نشد و آنرا کلی گوئی و بی ربط به سیاست



سوسیالیستی هم نه فقط طبقه کارگر بلکه بخش اعظم جامعه به حرکت در میاید. خصلت طبقاتی انقلاب را رهبریش تعیین میکنند. مهم اینست که انقلاب تحت کدام پرچم و کدام رهبری صورت میگیرد. اگر پرچم و افق و سیاست حاکم بر انقلاب سوسیالیستی باشد آن انقلاب سوسیالیستی و کارگری خواهد بود.

به طریق اولی در مورد عرصه های مختلف مبارزه و جنبشهای اعتراضی نیز این امر صادق است. چه سنتی معتقد است بسیاری از اعتراضات و عرصه های مبارزاتی مثلا مبارزه علیه تبعیض جنسیتی، دفاع از آزادیهای بی قید و شرط، علیه اعدام، علیه مذهب و امثالهم دموکراتیک است. و تنها مبارزه ای سوسیالیستی است که مستقیما به جنبش کارگری مثل افزایش دستمزدها و حق تشکل و

آزادی زندانیان سیاسی و از دفاع از حقوق پناهندگان تا مبارزه علیه آپارتاید جنسی و علیه جنبش اسلام سیاسی و غیره فعال باشد، تشکلهای معتبر و شناخته شده ای در خارج و داخل کشور ایجاد کند و کادرهای حزبی به چهره های سرشناسی در این عرصه ها تبدیل بشوند. امروز حزب کمونیست کارگری نماینده یک رادیکالیسم عملی و فعال و دخالتگری است که در مهمترین عرصه های مبارزه طبقاتی در ایران و در خارج کشور حضور چشمگیری دارد.

محسن ابراهیمی: از نقطه نظر سبک کار و سبک فعالیت اجتماعی بحث حزب و جامعه چه ویژگی های به حزب کمونیست کارگری میبخشد؟
حمید تقوایی: اصطلاح سبک کار حق مطلب را خوب ادا نمیکند. مبنای فعالیت اجتماعی حزب

اسامی عقیدتی دیگری از این قبیل معرفی میکنند. شرط ورود به این احزاب اعتقاد به تنوری و حتی پیروی از شخصیتها و تئوریسین های معینی است. اما برای ما بعنوان یک حزب سیاسی برنامه و سیاست مبارزاتی پیش شرط ورود به حزب است و نه دکتترین و تئوریهای که زیر بنای این سیاستها است. احزاب سیاسی نمیتوانند بر چنین مبنای تشکیلی بشوند و در بستر اصلی سیاست در جامعه قرار بگیرند.

یک مولفه دیگر کمونیسم بعنوان یک حزب سیاسی رابطه متفاوت آن با جامعه است. سوالی که نظریه حزب و جامعه به آن پاسخ میدهد اینست که چرا کمونیسم های غیر کارگری نیروهای حاشیه ای و بی ربط به سیاست وزندگی اجتماعی انسانها هستند؟ جواب در دست بردن به مکانیسمهای اجتماعی مبارزه طبقاتی در عصر حاضر است. مکانیسمهایی که حزب را به مبارزات طبقه کارگر و جنبشهای ضد تبعیض و آزادیخواهانه وصل میکند و آن را بعنوان یک آلترناتیو معتبر و قابل اتکا در معرض انتخاب اجتماعی توده کارگر و مردم جامعه قرار میدهد.

یک نتیجه بلاواسطه این نظریه جایگاه مهم براتیک و دخالتگری سیاسی در همه عرصه های مبارزه طبقاتی است. از نظر ما مبارزه طبقاتی تنها در عرصه کارخانه و رودروئی کارگر و سرمایه دار بروز پیدا نمیکند. مبارزه و کشاکش طبقه کارگر و سرمایه دار در همه عرصه ها، از فرهنگ و هنر تا ورزش و اقتصاد و سیاست و اخلاقیات و غیره، قابل مشاهده است. بقول منصور حکمت حتی در مراسم جایزه اسکار هم این تقابل را می بینید. ازینرو کمونیستها باید در همه این عرصه ها حاضر و فعال باشند و تلاش کنند نقد و اعتراض رادیکال طبقه کارگر را در هر عرصه معین نمایندگی کنند و به خط و گفتار و سیاست مسلط در آن عرصه تبدیل کنند.

این خصلت پراتیکی کمونیسم کارگری باعث شده است حزب در بسیاری از این عرصه ها، از مبارزه علیه اعدام تا دفاع از حقوق کودک و از جنبش کارگری تا مبارزه برای

توده مردم، به مرجع قابل اعتماد و قابل اتکا و به رهبر آنان برای آزادی و رهائی از وضع موجود بدل میشود و حزب باید آگاهانه این سیاست را دنبال کند. این انتخاب اجتماعی امروز ممکن شده است بخاطر پلاریزاسیون طبقاتی که بالاتر اشاره کردم. یعنی قطبندی طبقاتی جامعه بین کمپ کار و سرمایه، بین یک در صدیها سرمایه دار و ۹۹ درصدی های تحت سلطه سرمایه. امروز رهائی اکثریت عظیم جامعه در گرو مبارزه ای است که طبقه کارگر پرچم آنرا بلند کرده است.

این یک واقعیت عینی است که زمینه اجتماعی کسب نفوذ و هژمونی حزب را فراهم میکند. حزب میتواند اجتماعا انتخاب شود به شرط اینکه راهها و مکانیسمهای اجتماعی تبدیل شدن به قدرت را بشناسد و بکار بگیرد. از مقطع طرح بحث حزب و جامعه تا امروز حزب ما این خط را دنبال کرده است و دستاوردها و پیشرویهایی قابل ملاحظه ای داشته است.

یک نکته دیگر شیوه کار حزب در جدل نظری و تئوریک است. برای چه سنتی و غیرکارگری بخش عمده موضوعات و سوژه ها و اساس و محتوای اصلی پلمیکها و جدالهای نظری در درون خانواده چپ است. تروتسکیسم در برابر استالینیسم و مائوئیسم در مقابل کمونیسم روسی و در جامعه ایران چریکیسم در برابر خط سیاسی-تشکیلاتی و غیره و غیره. اما برای کمونیسم کارگری مبارزه نظری یک امر دورن خانوادگی نیست. ما همانطور که قبلا توضیح دادم

... اساس این نظریه، که بحث حزب و قدرت سیاسی در متن آن مطرح میشود، اینست که چپ و مشخصا حزب میتواند و باید اجتماعا انتخاب بشود. یعنی راه قدرتگیری حزب این نیست که تعداد مارکسیستها و کمونیستها بتدریج در جامعه اضافه میشوند و به حزب می پیوندند، بلکه از نظر سیاسی و در یک مقیاس کلان حزب به نماینده توده مردم، به مرجع قابل اعتماد و قابل اتکا و به رهبر آنان برای آزادی و رهائی از وضع موجود بدل میشود و حزب باید آگاهانه این سیاست را دنبال کند. این انتخاب اجتماعی امروز ممکن شده است بخاطر پلاریزاسیون طبقاتی که بالاتر اشاره کردم. یعنی قطبندی طبقاتی جامعه بین کمپ کار و سرمایه، بین یک در صدیهای سرمایه دار و ۹۹ درصدی های تحت سلطه سرمایه. امروز رهائی اکثریت عظیم جامعه در گرو مبارزه ای است که طبقه کارگر پرچم آنرا بلند کرده است.

برنامه و سیاستهای کارگری را پذیرد و همراه و همدوش طبقه کارگر علیه نظام سرمایه داری بیدان بیاید. ما معتقدیم جامعه میتواند و باید بین دو کمپ کار و سرمایه، کمپ نود و نه درصدیها در برابر یک درصدیها، از نظر سیاسی نیز پولاریزه شود و نظریه حزب و جامعه نشان میدهد که ابزار و مکانیسمهای تحقق این امر کدامست.

اساس این نظریه، که بحث حزب و قدرت سیاسی در متن آن مطرح میشود، اینست که چپ و مشخصا حزب میتواند و باید اجتماعا انتخاب بشود. یعنی راه قدرتگیری حزب این نیست که تعداد مارکسیستها و کمونیستها بتدریج در جامعه اضافه میشوند و به حزب می پیوندند، بلکه از نظر سیاسی و در یک مقیاس کلان حزب به نماینده

غیره مربوط باشد. کمونیسم کارگری این تقسیمبندی را مکانیکی و متافیزیکی میداند. یک رکن برنامه حزب ما و نظریه حزب و جامعه اینست که در عصر حاضر همه مصائب و مسائل اجتماعی ریشه در نظام سرمایه داری دارد و به این اعتبار هر مبارزه ای علیه تبعیض و علیه فقر و بیحقوقی و علیه کلیه مصائب جامعه در واقع مبارزه ای علیه سلطه سرمایه است.

به این دلیل است که امروز طبقه کارگر پرچم آزادی بشریت را بر دوش میکشد. گفتمان نود و نه درصدیها علیه یک درصدیها که جنبش اشغال مطرح و همگانی کرد از همین واقعیت نشات میگیرد. نود و نه درصد جامعه در برابر اقلیت سرمایه دار هستند نه به این خاطر که همه کارگر هستند بلکه به

اینست که کمونیسم کارگری خود یک جنبش اجتماعی است و به این اعتبار فعالیتهای حزب نیز بر فعل و انفعالات و اعتراضات و مکانیسمهای اجتماعی مبتنی است. عزیمت از جنبش و نه از نظرات و تئوریهها، سر منشا بسیاری از تفاوتهای پراتیکی و سبک کاری میان کمونیسم کارگری و دیگر مدعیان کمونیسم است. بعنوان نمونه چپ سنتی به دسته بندی انقلابات به و کلا عرصه های مبارزه به سوسیالیستی و دموکراتیک معتقد است و بر مبنای این تقسیمبندی به تحولات برخورد میکند. برای کمونیسم کارگری اینطور نیست. از نظر ما انقلاب یک جنبش عمومی و توده ای برای بزیر کشیدن دولت و نظام حاکم است. به این معنی هر انقلابی عمومی است. در انقلاب

سخنرانی منصور حکمت در کنگره سوم حزب کمونیست کارگری



اساسا سیاستها و نظرات کمونیسم های غیرکارگری را ناشی از ضعف و یا کج فهمی تئوریک- نظری آنها نمیدانیم. کمونیسم غیر کارگری جنبشهای دیگری را در جامعه نمایندگی میکند و ازینرو طرف جلد نظری ما، حتی در نقد دیگر مدعیان کمونیسم، جنبش ها و نیروهای سیاسی و عقاید راست در جامعه است. کمونیسم باید به جنگ سیستم های فکری و مکاتب و عقاید رایج و حاکم در جامعه برود. نظیر جنگ نظری که خود مارکس و انگلس در مقابله با متفکرین و صاحب نظران جریانات اصلی بورژوازی در عصر خودشان به پیش میبردند. این بینش و سبک جلد نظری باعث شده است حزب ما درنقد تجربه شوروی، نقد دموکراسی، نقد مذهب و ناسیونالیسم، نقد و بررسی نظریه حق ملل در تعیین سرنوشت خود در شرایط سیاسی امروز، در نقد فدرالیسم، نقد نسبییت فرهنگی و پست مدرنیسم، بررسی بحران جاری سرمایه داری و موضوعاتی از این قبیل ادبیات غنی و پر ارزشی داشته باشد.

محسن ابراهیمی: اینجا میخواهم نکته ای را یادآوری کنم. بحث علنی شدن و فعالیت علنی. آیا این در چهارچوب مباحث کمونیسم کارگری میگنجد و اگر آری به چه معنا؟
حمید تقوایی: بله این بحث

قدیمی تر است. بحث علنیت و مبارزه علنی یک پیش شرط ورود به بحث حزب و جامعه و حزب و قدرت سیاسی است. اما سابقه آن به مقطع تشکیل حزب کمونیست ایران بر میگردد.

بحث علنیت به معنی معرفی چهره و نویسندگان حزبی از انتشار اولین شماره بسوی سوسیالیسم بعنوان نشریه تئوریک حزب شروع شد. بسوی سوسیالیسم قبل از تشکیل حزب کمونیست ایران نشریه تئوریک اتحاد مبارزان بود و تا آن زمان به سبک دیگر سازمانها و تشکلهای چپ مقالات آن بدون امضا منتشر میشد. تا آن زمان نوشته ها و مقالات در نشریات همه سازمانهای چپ بدون امضا و یا با امضای سازمانها منتشر میشد. مثلا حتی در اتحاد مبارزان بر کسی معلوم نبود نویسنده جزوه اسطوره بورژوازی ملی و مترقی کیست و یا مقاله دو جناح در ضد انقلاب بورژوا امپریالیستی و دیگر نوشته های آن دوره را چه کسی نوشته است. این نوشته ها در نشریه بسوی سوسیالیسم بدون امضا بچاپ میرسید. مساله امنیت هم در این میان نقشی نداشت چون مساله را میشد با انتخاب یک اسم مستعار حل کرد.

در مقطع تشکیل حزب منصور حکمت این سنت را نقد کرد. او میگفت بگذارید کمونیستها از

شکل اشباح بی شکل خارج بشوند و تبدیل بشوند به شخصیتهای اجتماعی. بگذارید جنبش کمونیستی و طبقه کارگر صاحب نظران و شخصیتهای سیاسی خود را بشناسد. باید معلوم باشد چه کسانی چه سیاستها و نظراتی را مطرح میکنند و همه بدانند گرایشها و خطهای سیاسی بسویله چه کسانی نمایندگی میشود. مباحث و نظرات بی اسم و بی چهره اجازه نمیدهد خطوط نظری- سیاسی را دنبال کرد، سابقه و سیرتکون آنها را بازشناخت و یا به بررسی و نقد آنها پرداخت. مثلا من و شما و کل جامعه هنوز نمیدانیم صاحب مباحث و نوشته هائی که باعث شد سازمان پیکار مضمحل بشود چه کسی و یا کسانی بوده اند و در این مباحث چه کسی کجا ایستاده بود. خوشبختانه این علنی شدن چهره ها و نویسندگان در جنبش چپ امروز به امر رایجی تبدیل شده است اما هنوز هم ما با این نوع مخفی کاری ها روبرو هستیم. چند سال قبل من در پانلی در مورد کشتار دهه شصت به همراه نمایندگان از دیگر سازمانهای چپ شرکت داشتم. یکی از شرکت کنندگان با نام کوچک خود را معرفی کرده بود و نمیخواست چهره اش در عکسها و در فیلمی که از مراسم میگرفتند نشان داده بشود. در این سنت مخفی و ناشناس و بی چهره بودن خود به یک فضا تبدیل شده

است. بعدها در بحث حزب و جامعه منصور حکمت این چپ سنتی را فرقه های ایدئولوژیک نامید که مبارزه در زیر یوغ دیکتاتوریها مخفی کاری را به یک امر هویتی آنها تبدیل کرده است. به این معنی بحث صرفا بر سر شناساندن چهره های چپ به جامعه و یا حتی رابطه مبارزه علنی و مخفی نیست. بلکه موضوع بر سر تفاوت کمونیسم کارگری بعنوان یک حزب سیاسی مدعی و خواهان کسب قدرت از چپ حاشیه ای و گروههای فشار است.

یکی از جنبه های دیگر این بحث معرفی چهره های حزبی در عرصه های مختلف مبارزه بود. مباحثی که به نظریه حزب و شخصیتها معروف شد. ما معتقدیم افراد میتوانند و باید به چهره و نماینده و نماد یک خواست و یک هدف و یک جنبش معین تبدیل بشوند و کمونیستها باید در سطح هرچه وسیعتری چنین شخصیتهایی را به جامعه معرفی کنند. ما در عرصه های مبارزاتی متعددی این سیاست را پی گرفتیم و امروز در عرصه های مختلفی نظیر مبارزه علیه اسلام سیاسی، مبارزه علیه اعدام و سنگسار، در دفاع از زندانیان سیاسی، در عرصه پناهندگی و دفاع از حقوق پناهندگان، در حمایت از افغانستانیهای مهاجر به ایران، و

غیره کادریهای حزب به چهره های سرشناسی تبدیل شده اند. در ادامه چنین سیاستی است که میتوان امید داشت جامعه در پراتیک مبارزاتی خودش رهبری حزب را بپذیرد و زیر پرچم سوسیالیسم بلند بشود و حکومت را بچالش بکشد.
محسن ابراهیمی: سولهایی خیلی زیادی در رابطه با فعالیتهای حزب کمونیست کارگری ایران میتوان مطرح کرد ولی متأسفانه فرصت نیست. اینجا میخواهم در رابطه با نقش منصور حکمت سئوالی مطرح کنم. در طی این مصاحبه جنبه های مختلفی از نقش و جایگاه منصور حکمت را توضیح دادید. اگر کسی بخواهد تصویری از نقش منصور حکمت در کل این پروسه ۲۵ ساله بدست بدهد بر چه باید تاکید کند؟

حمید تقوایی: برای کسی که این مصاحبه را دنبال کرده باشد باید مشخص باشد که منصور حکمت نقش کاملاً تعیین کننده و کلیدی ای داشت نه تنها در حزب بلکه در کل جنبش کمونیستی در ایران. در مورد دستاوردها و درافزوده های تئوریک و سیاسی منصور حکمت در مقاطع مختلف تکوین حزب در طی این مصاحبه توضیح دادم. اینجا باید این را اضافه کنم که از نظر عملی و تشکیلاتی نیز نقش او کاملاً برجسته و تعیین کننده بود. بعنوان نمونه فدراسیون پناهندگی و



تمایز ما از کمونیسمهای غیرکارگری را به روشنی تصویر میکند و لذا نه تنها تاریخ حزب، بلکه کل جنبش کمونیسم کارگری را بخوبی نمایندگی و معرفی میکند.

است، دنیا بعد از یازده سپتامبر، و متن دو سخنرانی منصور حکمت در سوئد (اکتبر ۹۹ و مارس ۲۰۰۰) که تحت عنوان "این حزب شماس" منتشر شده است. این نوشته ها مبانی نظری، سیاسی، متدولوژی و پراتیک حزب ما و

کمونیست ایران، نوشته "مصافهای کمونیسم امروز" و "قطر دو گام به پس" را توصیه میکنم. این اسناد همه در سایت منصور حکمت قابل دسترسی است. نوشته های اساسی دیگر عبارتست از حزب و جامعه، آیا پیروزی کمونیسم در ایران ممکن

کمونیسم "صحبت میکند و به شکلی زنده و ملموس نشان میدهد که چرا زیر پوست هر انسان شریف و منصفی يك کمونیست دو آتشه نهفته است. او میگوید دنیائی که در هر لحظه اش هزاران کودک بدلیل بیماریهای قابل علاج میمیرند از جانب هیچ انسان شریفی قابل پذیرش نیست. این دنیا میتواند و باید تغییر کند و در این مبارزه همه انسانهای منصف و شریف با ما هستند.

منصور حکمت نه تنها مغز بلکه قلب کمونیسم هم بود. او فقط تئوری و حزینیت و موضعگیری کمونیستی را نمایندگی نمیکرد بلکه پیش از آن و مهم تر از آن انسانیت عمیقی را نمایندگی میکرد که در همه رگهای کمونیسم جاری است. من افتخار میکنم که حزب ما نماد و مظهر این انسانیت است و توانسته است با ترجمه آن به سیاستها و مواضع عملی و پراتیکی، راه و افقی که منصور حکمت در برابر ما قرار داد را با موفقیت به پیش برد.

محسن ابراهیمی: بعنوان آخرین سؤال رجوع به چه نوشته ها و ماخذ را به کسانی که این مصاحبه را دنبال کرده اند توصیه میکنید؟

حمید تقوایی: اولین توصیه من کتاب تفاوتهای ما است. من به همه کسانی که میخواهند کمونیسم کارگری را عمیقاً بشناسند توصیه میکنم این نوشته را مطالعه کنند. ماخذ دیگر دو سمینار کمونیسم کارگری است که منصور حکمت در سال ۱۹۸۹ در آستانه تشکیل حزب کمونیست کارگری و در سال ۲۰۰۰، دو سال قبل از درگذشتش، ارائه داد. برای دستیابی به درک روشنی از پروسه جدائی از حزب

کودکان مقدمند به ابتکار و با دخالت مستقیم منصور حکمت پایه گذاری شد. از نظر ساختار تشکیلاتی و مناسبات و روابط درون حزبی، تعریف کادر و عضو و نقش و وظایف و جایگاه هر يك، در سازماندهی کمپین ها و اکسیونهای حزبی، در ساختار ارگانهای رهبری حزب و غیره و غیره همه جا نقش منصور حکمت برجسته است. در جامعه منصور حکمت را تنها بعنوان يك تئورسین و رهبر سیاسی حزب می شناسند ولی در درون صفوف حزب، هم حزب کمونیست و هم حزب کمونیست کارگری، همه بر نقش و جایگاه تعیین کننده او از نظر عملی - تشکیلاتی - تاکتیکی نیز واقف بودند.

از دست رفتن منصور حکمت برای حزب ما ضربه سنگینی بود. اما ما توانستیم، بعد از دست اندازهای اولیه، حزب را نه تنها حفظ کنیم بلکه در عرصه های مختلف مبارزه در خارج و داخل کشور پیشرویهای زیادی داشته باشیم. این پیشرویهها نیز خود حاصل اتکا بر تئوریهها و سیاستهای منصور حکمت و بسط آنها در برخورد به مسائل و تحولات سیاسی و اجتماعی جدیدی است که در شرایط پر تحول ایران و جهان در برابر ما قرار میگيرد. پس از درگذشت منصور حکمت جامعه ایران و همچنین منطقه دستخوش تلاطمات و تحولات سیاسی تازه ای شد و خط و نظرات منصور حکمت کاربرد وسیع و همه جانبه ای پیدا کرد. منصور حکمت در توصیف کمونیسم کارگری و کلماتی که به بهترین وجه آنرا نمایندگی میکنند بر رادیکالیسم افراطی، سازش ناپذیری، عملگرایی و دخالتگری و پراکتیکال بودن، و بر انسانگرایی عمیق تاکید میکند. امروز این خصوصیات باعث شده است حزب ما جایگاه کاملاً مشهود و غیر قابل انکاری در جنبش کارگری، در جنبش علیه اعدام، در مبارزه علیه اسلام سیاسی و در مبارزه علیه حجاب و آپارتاید جنسی و عرصه های متعدد دیگر داشته باشد.

اینجا لازم میدانم بخصوص بر انسانگرایی عمیق منصور حکمت تاکید کنم. او در اولین سخنرانی علنی اش در سوئد از "قلب

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

مسئول فنی این شماره ویژه: سیامک امجدی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود



<http://hekmata.public-archive.net>